أُنظُرْ بِـدقَّـةٍ؛ أَنتَ تُشاهِدُ سُقوطَ الْأَسماكِ مِنَ السَّماءِ؛
نگاه کن بادقت؛ تو مشاهده می‌کنی افتادن ماهی‌ها را از آسمان ؛
كَأَنَّ السَّماءَ تُـمْطِرُ أَسماكاً.
گویی آسمان ماهی می بارد.
يُسَمّي النّاسُ هٰذِهِ الظّاهِرَةَ الطَّبيعيَّةَ «مَطَرَ السَّمَكِ».
می نامند مردم این پدیدهٔ طبیعی را «باران ماهی».
حَـيَّـرَتْ هٰذِهِ الظّاهِرَةُ النّاسَ سَنَواتٍ طَويلَةً فَـما وَجَدوا لَـها جَواباً.
حیران کرده این پدیده مردم را سالیان طولانی پس نیافتند برای آن جوابی را.
يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَويّـاً في جُمهوريَّةِ الْهُندوراس في أَمريكَا الْوُسطىٰ.
اتفاق می‌افتد «باران ماهی» سالانه در جمهوری هندوراس در آمریکای مرکزی.





تَحدُثُ هذِهِ الظّاهِرَةُ مَرَّتَينِ في السَّنَةِ أَحياناً؛ فَيُشاهِدُ النّاسُ غَيمَـةً سَوداءَ
اتفاق می‌افتد این پدیده دوبار درسال گاهی وقت‌ها؛ پس مشاهده می‌کنند مردم ابر سیاه
عَظيمَـةً، وَ رَعداً وَ بَرقاً، وَ رياحاً قَويَّـةً وَ مَطَراً شَديداً لِـمُدَّةِ ساعَتَينِ أَو أَكثَـرَ، ثُمَّ
بزرگ را، و رعد و برق و بادها بی قوی و بارانی شدید به‌مدت دو ساعت یا بیشتر، سپس
تُصْبِحُ الْأَرضُ مَفروشَـةً بِـالْأَسماكِ، فَيَأخُذُهَـا النّاسُ لِـطَبخِـها وَ تَناوُلِـها.
زمین پوشیده از ماهی‌ها می‌شود، و می‌گیرند آنها را مردم برای پختن و خوردنشان.